

یادداشت روز

صادق غفوریان
info@khorasannews.com

وقت چرخش راهبردی صدا و سیما

در سال های اخیر، همواره نقد و نظر هادر باره رسانه ملی بازار داغی داشته ودارد؛به طور مشخص، این بازار در حوالی وپیرامون وقایع ورویدادها داغ تر، جدی تر وپر حجم تر می شود. دقیقادر همین ایامودر میانه حال و احوال جنگی که اکنون در آنیم،وجهی دیگر از انتقادها و حرف و حدیث هادر باره صدا و سیما به اوج خود رسیده است.

باتحلیل محتوای نقدها و اظهار نظر هادر باره صدا و سیمای آقای پیمان جبلی در قامت ریاست این رسانه، می توان عناوین و سرفصل این موارد در این گونه بهر شمرد:

- ۱- فرسایش جامعیت و خلأ تنوع سلاقی
 - ۲- سنجش های بعضا انتزاعی از اعتماد به این رسانه
 - ۳- ابتلا به آسیب دو قطبی سازی
 - ۴- خود مرجع پنداری رسانه ای
- بهانه نگارش این یادداشت، اظهارات روز های قبل عراقچی، وزیر امور خارجه در خصوص بی توجهی صدا و سیما به مصاحبه های حساس اش در میانه جنگ با انتقادات مکرر رئیس جمهور از اینر رسانه با قطع مصاحبه، رئیس مجلس و رئیس تیم مذاکرات نیست که البته هریک از این موارد خودش می تواند به طور مستقل، محور چند یادداشت و گزارش باشد. تازه به این موارد رفتار های ضد وحدت گویندگان و تحلیلگران بر نامه ها، اصرار بیش از اندازه در استفاده از کارشناسان تکراری و افت جدی در تولیدات جذاب را هم می توان افزود که در باره اش باید ده ها گزارش و یادداشت نوشت.

اما به صراحت باید بیان کنیم که بهانه این یادداشت، نقل قول عجیب رئیس دانشگاه صدا و سیماست که با استناد به نتایج یک نظر سنجی گفته «میزان اعتماد مردم به صدا و سیما از اعتماد آن ها به دولت بیشتر است».

به نظر می رسد، این اظهار نظر آقای رئیس دانشگاه صدا و سیما مبتلا به چند نکته ناشی از خطای شناختی است:

- ۱- من به عنوان یک مخاطب در ذات این کلام و این دیدگاه که میان رسانه ملی و دولت جمهوری اسلامی دو گانه «ما» و «آن ها» قائل است، نوعی تولید قطبی سازی احساس می کنم.
- ۲- آقای رئیس دانشگاه صدا و سیما بر اساس کدام منطق به این نتیجه رسیده که اعتماد قریب ۹۰ میلیون ایرانی به صدا و سیما بیشتر از دولت است؛ تازه آن هم دولتی که باتمام انتقادها به او، رئیس اش به صداقت و سادگی شهرت دارد. آقای رئیس دانشگاه صدا و سیما، واقعا اطمینان دارا دیگر یک نظر سنجی فراگیر

صورت گیرد، نتیجه همان خواهد بود که اودمعی شده است؟

۳- آقای رئیس دانشگاه صدا و سیما، احتمالا فقط برخی از نظر سنجی ها را مطالعه می کند و بی شک، نتایج نظر سنجی مرکز معتبر افکار سنجی اسپیدار سال ۱۴۰۳ را ندیده و مطالعه نکرده که تنها ۱۲.۵ درصد از پاسخگویان گفته بودند اخبار را از صدا و سیما دنبال می کنند و ۱۱.۵ درصد نیز فیلم و سریال های این رسانه را تماشا می کنند.

اگر صدا و سیما مخاطب را اقناع می کرد...

حقیقت این است در چنین مجالی که قلم اندر نقد صدا و سیما شتاب گرفته است، آدم می ماند که به کدام موضوع بپردازد چرا که موضوع و مسئله در باره این رسانه امروز فراوان است. اما از میان تمامی آن، یک پرسش را باید مطرح کرد؛ این که اگر این «صدا و سیما» توانسته بود نیاز جامعه و مخاطبان خود را در اطلاع رسانی و حوزه های دیگر همچون سرگرمی و نشاط آفرینی تامین و اقناع کند، آیا این مخاطبان به رسانه های دیگر و بعضا رسانه های معاند، کوچ می کردند؟

اساسا تولید و تولید انبوه رسانه های اینترنتی به ویژه در ایام جنگ و در روز هایی که مخاطبان تشنه شنیدن خبر ها و تحلیل های واقع گرانه اند، چه معنایی دارد؟

آیا دلیل غیر از این است که رسانه ملی با دارا بودن هزاران نیرو و میلیارد ها تومان بودجه، نتوانسته و نمی تواند این نیاز مخاطبان را تامین کند. این یک حقیقت است که صدا و سیما نا آگاهانه و گاهی هم آگاهانه، خود به دست خود، مخاطب را به آغوش رسانه های غریبه هل می دهد.

یادمان نمی رود، اگر چه احتمالا آقایان در صدا و سیما فراموش کرده اند که در نگاه بلند و باور امام راحل که او را معمار کبیر انقلاب می دانیم، «صدا و سیما دانشگاه است» و بر اساس همین نگاه، رهبر فرزانه شهید نیز در حکم رئیس کنونی این رسانه فرمود: «صدا و سیما به مثابه دانشگاه عمومی است.»

وقت چرخش راهبردی

آقایان مسئول در صدا و سیما، چه این نوشته و اساسا نقدهای این روز ها بر خودشان را قبول داشته یا نداشته باشند، اما این را باید باور کنند که صدا و سیمای امروز شان، یک رسانه فراگیر و محبوب و مرجع نیست که دلیل اش را خودشان بهتر از همه می دانند. پس این رسانه مهم، در مسیر بازیابی مرجعیت خود، نیازمند یک «چرخش راهبردی» نه از اصول بلکه از روش ها و ایده ها است تا بتواند خود را به همین افکار مهمه مردم ایران تبدیل کند.

یادداشت

یعقوب ربیعی
info@khorasannews.com

آیا جولانی به جنگ با حزب ا... می رود؟

روابط سوریه و لبنان ریشه در تاریخ مشترک دارد؛ هر دو بخشی از سوریه بزرگ یا همان شامات بودند و پس از جنگ جهانی اول از هم جدا شدند. سوریه سال ها استقلال لبنان را به رسمیت نشناخت. با آغاز جنگ داخلی لبنان در سال ۱۹۷۵، سوریه در ابتدائ نقش میانجی داشت؛ اما بعدها قدرتش را بر لبنان سيطره داد و حتی در انتخاب روسای جمهوری مانند امیل لحود و انتخابات پارلمان نقش داشت. سوری هادر سال ۲۰۰۵ از لبنان خارج شدند.

با این پیش زمینه تاریخی، همیشه سوری هانیم نگاهی به لبنان داشته اند. از طرفی، جریان تکفیری موجود در سوریه هم بدش نمی آید از حزب ا... انتقام بگیرد. ولی سوریه با ۳

سخنان توهین آمیز اخیر فلاح پیشه، نشانه ای از فهم صفر او از مفاهیمی همچون بازدارندگی و موازنه قدرت است

هم نمی فهمد، هم نمی خواهد که بفهمد

مصطفی غنی زاده فلاح پیشه، فردی که سابقه ریاست کمیسیون امنیت ملی مجلس را در کارنامه دارد، گفته است راهبردی که می گفت در سوریه و لبنان بجنگیم تا مجبور نباشیم در تهران و کرمانشاه بجنگیم، اشتباه بوده و موجب فتنه شده است. این جماعت دقیقاً در لحظه ای که فکر می کنیم از گذشته درس گرفته اند، چیزی به زبان می آورند که آدم را حیرت زده می کند. اولاً این جمله معروف اساساً مربوط به جنگ با آمریکا نیست و فلاح پیشه آن را از ظرف اصلی زمانی و موقعیتی خود خارج کرده است. این راهبر در دست در زمان داعش مطرح شد که موفقیت آمیز بود و توانست دشمن سلفی را قبل از رسیدن به مرزهای مأموتوقف سازد. پس در این زمینه موفقیت آمیز و درست بود.

ثانیاً جنگ کنونی اتفاقا درستی آن گزاره را در باره اسرائیل نشان داد. صهیونیست ها جنگ ۱۲ روز مرزمانی آغاز کردند که ما سوریه را از دست داده بودیم و در لبنان هم حزب ا... به شدت ضربه خورده بود. اگر جنگ در آن نقاط موفقیت آمیز می بود و قدرت را محافظ می شد، جنگی در کرمانشاه و تهران اتفاق نمی افتاد. پس اصل راهبر در دست بوده گرچه در اجرا و اتفاقات رخ داده، مقدمه راهبر د موفقیت آمیز نبود تا نتیجه نهایی به دست آید. ثالثاً از همه مهم تر جایی است



گام تازه در اصلاح بنزین

طبق تصمیم تازه دولت، سهمیه بنزین ۳۰۰۰ تومانی به ۵۰ لیتر کاهش یافته و همزمان گمانه زنی ها درباره نرخ سوم ۱۰ هزار تومانی بالا گرفته است



واردات بیشتر، فشار بر ذخایر یا اصلاحات قیمتی کند. از نگاه کارشناسان انرژی، وقتی فاصله میان تولید، مصرف و امکان واردات بیشتر می شود، دولت دواچار اصلی در اختیار دارد: یا قیمت را اصلاح کند، یا با سهمیه ها مداخله کند. کاهش سهمیه ۲ هزار تومانی به ۵۰ لیتر را می توان در همین چارچوب دید؛ اقدامی برای مهار بخشی از تقاضای مازاد، بدون آن که سهمیه های اصلی خانوارها به طور کامل حذف شود.

زرمه تغییر نرخ سوم

همزمان با کاهش سهمیه ها، بحث درباره نرخ سوم بنزین هم دوباره داغ شده است. در روزهای اخیر، برخی رسانه ها از تصمیم سران قوا درباره افزایش نرخ سوم بنزین به ۱۰ هزار تومان خبر داده اند؛ عددی که هنوز به طور رسمی تأیید نشده، اما در فضای رسانه ای و تحلیلی بسیار مطرح است. بر اساس تحلیل های منتشر شده، اگر چنین تصمیمی اجرا شود، اثر مستقیم آن بیشتر متوجه حدود ۳۰ درصد مالکان خودروها خواهد بود؛ یعنی گروهی که مصرف ماها نه آن ها بالاتر از الگوی معمول ۱۱۰ لیتری است و نیازشان فراتر از سهمیه های ۱۵۰۰ و ۳۰۰۰ تومانی قرار می گیرد. در مقابل، بخش عمده دارندگان خودرو، در صورت استفاده در چارچوب سهمیه، تغییر محسوسی در هزینه سوخت خود نخواهند دید و تغییر سهمیه کنونی نیز الگوی مصرف آنان را حفظ می کند. نکته مهم این است که هرگونه اصلاح قیمتی در حوزه انرژی فقط یک تصمیم اقتصادی نیست؛ بلکه بر انتظارات تورمی، رفتار مصرف کنندو حتی حمل و نقل و توزیع کالا نیز اثر می گذارد. به همین دلیل، حساسیت دولت به اعلام تدریجی و مدیریت شده این سیاست قابل درک است.

گروه اقتصاد- پس از بحث ها و گمانه زنی های هفته های اخیر، دولت سرانجام یک گام تازه در حوزه بنزین برداشت؛ در حالی که زرمه ها درباره نرخ سوم نیز در روزهای اخیر پررنگ تر شده است. این تغییرات در شرایطی رخ می دهد که مصرف روزانه بنزین از مرز ۱۳۰ میلیون لیتر گذشته و ناترازی سوخت به یکی از جدی ترین چالش های اقتصادی تابستان تبدیل شده است.

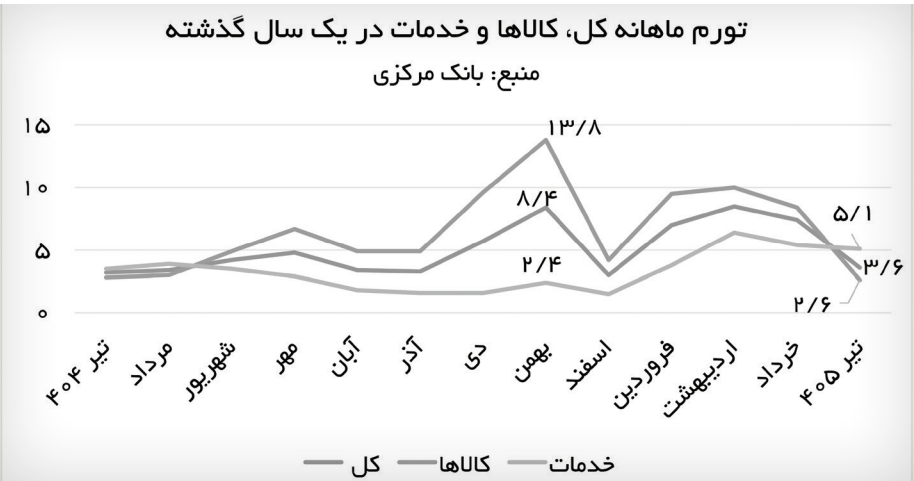
دومین کاهش سهمیه در سال جاری

بر اساس تازترین اعلام رسمی، سهمیه بنزین با نرخ ۳ هزار تومان از ۷۰ لیتر به ۵۰ لیتر کاهش یافته است. این دومین تغییر مهم در ماه های اخیر است، چرا که پیشتر نیز در اردیبهشت، سهمیه از ۱۰۰ لیتر به ۷۰ لیتر رسیده بود. در عمل، دولت طی چند ماه گذشته به جای دست زدن مستقیم به قیمت پایه، مسیر اصلاح تدریجی از طریق سهمیه بندی را دنبال کرده است. این رویکرد یک پیام روشن دارد: دولت فعلاً می خواهد فشار اصلی را بر الگوی مصرف وارد کند، نه بر عموم دارندگان خودرو. اما تکرار این سیاست در فاصله ای کوتاه، نشان می دهد وضعیت بنزین از مرحله هشدار عبور کرده و وارد فاز تصمیم گیری سخت شده است.

چرا دولت به سمت اصلاح می رود؟

افزایش سفرهای تابستانی، لغو دور کاری ها و رشد تقاضا، مصرف بنزین را به سطحی رسانده که با ظرفیت تولید و واردات کشور همخوانی ندارد. برآوردها نشان می دهد ناترازی بنزین به حدود ۱۰ میلیون لیتر در روز رسیده است؛ رقمی که اگر کنترل نشود، می تواند دولت را ناچار به

افت ملموس شتاب قیمت ها به ۳.۶ درصد در تیرماه، آن هم در میانه صعود نرخ ارز و تفاهم اولیه تهران- واشنگتن، از مهار تورم تصویری متناقض ساخته است



کرد:

۱. **اهرم پولی (سپرده قانونی):** ملموس ترین اقدام سیاست گذار پولی در تیرماه، افزایش نرخ سپرده قانونی بانک بود. این تصمیم انقباضی ترمز شدیدی بر قدرت وام دهی و خلق پول بانک ها کشید و با کاهش موقت سرعت گردش پول، مانع از سرایت فوری جهش ارزی به قیمت کالاها و خدمات شد.
۲. **شوگ ارزی صعودی:** دلار در تیرماه پرواز تا کانال ۱۹۲ هزار تومان را ثبت کرد؛ هر چند در هفته اول مردادماه تا حدودی تعدیل شده و محدوده ۱۸۸ هزار تومان بازگشت. به طور سنتی، چنین جهشی باید با فاصله روی انتظارات تورمی و قیمت کالاها تخلیه می شد، اما به نظر می رسد اثر تاخیری (Lag) انتقال نرخ ارز به بازار کالا، موقتاً به دلیل انقباض پولی بی اثری با کند شده است.
۳. **سیگنال تفاهم سیاسی:** تفاهم اولیه ایران و آمریکا در روزهای پایانی خرداد، حدودی زهر انتظارات تورمی شدید را گرفت. این تفاهم دیپلماتیک هر چند مانع رشد فیزیکی قیمت ارز در بازار آزاد نشد، اما به نظر می رسد با کاهش نااطمینانی های بلندمدت، ترمز خریدهای هجومی در بازار کالا را کشید.
۴. **چالش «پول های داغ» و «فشار هزینه تولید»** با وجود این کاهش شتاب، مسیر پیش روی سیاست گذار پولی چندان آسان نیست. از یک سو، انقباض شدید پولی از طریق سپرده قانونی و کنترل ترانزنامه، بانک ها را در تنگنای شدید نقدینگی قرار داده و تامین مالی بخش تولید را دشوار

تورم ماهانه نصف شد

بانک مرکزی دیروز تازه ترین داده های شاخص قیمت مصرف کننده را منتشر کرد. بر این اساس، پس از سه ماه تورم داغ ۸.۵۷، ۷.۴۸ و ۷.۰۴ درصدی در بهار، این شاخص در تیرماه به ۳.۶ درصد عقب نشست. با این حال، تورم نقطه ای و دوازده ماهه همچنان صعودی مانده اند؛ تورم نقطه ای از ۶.۷ درصد در فروردین به ۸۳.۹ درصد در تیر رسیده و تورم دوازده ماهه نیز از ۵۰.۶ درصد به ۶۱.۴ درصد افزایش یافته است.

تورم کالایی عقب کشید، صعود خدمات

ادامه دارد

داده های بانک مرکزی نشان می دهد که در تیرماه، تورم ماهانه کالایی با افت ملموس از بین ۸/۷ تا ۱۰ درصد به سه ماه ابتدایی امسال به ۲/۶ درصد عقب نشینی کرده است. اما در عین حال، تورم ماهانه خدمات که در فروردین ۲/۸ درصد بود، پس از یک اوج گیری تا ۶/۴ درصد، در دو ماه اخیر در کانال ۵ درصد باقی مانده است. مرور سابقه تورم خدمات نشان می دهد این شاخص در سال گذشته به رغم تورم کالایی ناشی از انتظارات تورمی و شوک ارزی، پایین و در کانال یک یا دو درصد باقی مانده بود و روند کنونی این شاخص را می توان جبران عقب افتادگی رشد نرخ خدمات در ماه های قبل دانست.

مثلت محرک ها: سپرده قانونی، ارز و دیپلماسی

اما اگر بخواهیم به تحلیلی از وضعیت کنونی تورم برسیم، باید سه ضلعی موثر بر اتمسفر اقتصادی تیرماه را واکاوی